

شاهین بهانه‌ای برای ماندگاری شخصیتی نوآور

کارآگاهی عاصی که
دانشیل هیمت آفرید

الهام اشرفی
نویسنده



در دنیای ادبیات و سینما دو نام «شاهین مالت» و «همفری بوگارت» به هم گره خورده‌اند. دو اثر نواز ادبی و سینمایی که در نوع خود موفق بودند؛ همان مؤلفه‌های کارآگاهی تنها، با تجربه زیستی‌ای تنها و نفوذناپذیر، در دل شب و در کوچه‌ها و خیابان‌هایی تاریک و خلوت... اما ماندگار.

شاهین مالت را که خواندم، مدام این فکر در سرم قوت می‌گرفت که: «شخصیت سام اسپید از روی ظاهر همفری بوگارت شخصیت پردازی شده است؟ یا بوگارت خود سام اسپید بوده؟ یا... (نمی‌دانم پروانه خواب مرا دید؟ یا من خواب پروانه را؟)»

«فک ساموئل اسپید دراز و استخوانی بود، چانه‌اش به شکل ۷ برجسته‌ای، زیر ۷ انعطاف‌پذیرتر دهانش قرار داشت. سوراخ‌های دماغش به عقب خم می‌شد تا ۷ کوچک‌تر دیگری بسازد...»

می‌بینید؟ خود همفری بوگارت است.

گذشته از این طنز و انتخاب درست، بجا و هوشمندانه عوامل فیلم، آنچه مسلم است، کتاب «شاهین مالت» در سال ۱۹۲۹، توسط دشیل هیمت، نوشته شده است و فیلم در سال ۱۹۴۱ ساخته شده است؛ یک اقتباس سینمایی بسیار متعهد به کتاب.

پیرنگ اصلی کتاب، معما و کشف است. سرتاسر کتاب، سام اسپید، به واسطه حضور زنی زیبا و فریبنده و با وسوسه دستیابی به پولی



هنگفت، به دنبال تندیس شاهینی است که ارزش بسیار بالایی دارد، به حدی که به خاطرش قتل‌ها و نیز سفرهای میان‌قاره‌ای بسیاری صورت گرفته است.

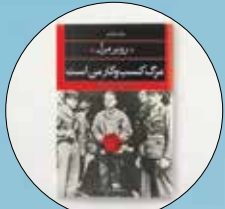
نکته مهم در مورد پیرنگ کشف در زمان شاهین مالت این است که خواننده در آخر کتاب بیشتر به کشف/کشف‌هایی در مورد شخصیت‌های داستان فکر می‌کند، تا کشف شاهین، شاهین، چونان پلی است که ذهن خواننده را به درون شخصیت‌ها هدایت می‌کند و در پایان آنچه در ذهن ماندگار می‌شود، علل و پیرنگ تصمیمات شخصیت‌هاست.

گیرایی ادبیات، به کشف است. خواننده به قصد کشف و حل معمای مطرح شده در اول قصه، کتاب را در دست می‌گیرد و این تبحر و استادی نویسنده است که خواننده را پای کتاب نگه می‌دارد، یا نه! دشیل هیمت، نویسنده‌ای که با همین اندک آثارش، بسیار خوش درخشید، توانسته است جهان و آدم‌های درون جهان قصه «شاهین مالت» را به قدری واقعی کند که خواننده بتواند بین خیال پردازی کلمات و درستی باورش پل بزند و شخصیت‌های زنده کتاب را که در خيالش زندگی می‌کنند، به تصویر در بیاورد. کل اتفاقات رمان در دو سه روز می‌گذرد، ولی اتفاقات و متعاقباً حرکت‌های شخصیت‌های رمان به قدری کنش و واکنش دارند و به قدری حوادث و ورود و خروج شخصیت‌ها با ضرباهنگ و ریتم‌تندی صورت می‌گیرد که خواننده نمی‌تواند رمان را نخواند رها کند. خواننده کم‌کم درمی‌یابد که ورود هر شخصیت حتماً حادثه و ماجرابایی به همراه می‌آورد.



قلعه مالویل

روبر مرل «قلعه مالویل» را ۱۰ سال بعد از جزیره نوشت رمانی که در فضا سازی و بسیاری از جزئیات وام‌دار جزیره است. در این اثر با یک دنیای آخ‌الزمانی و تقابل دو گروه از انسان‌ها مواجه هستیم که از یک انفجار اتمی جان سالم به در برده‌اند. قلعه مالویل از لحاظ داستانی پختگی و جذابیت بیشتری از جزیره دارد اما دال مرکزی آن همچنان کاوش در سرشت آدمی است. ترجمه محمد قاضی در این کتاب بی‌نظیر است.



مرگ کسب‌وکار من است

دومین رمان مرل و روایتی خواندنی از زندگی رودلف هوس فرمانده اردوگاه آشویتس است که در «مرگ کسب‌وکار من است» با نام رودلف لانگ به خواننده معرفی می‌شود. مرل در این کتاب تلاش کرده نشان دهد که چگونه یک انسان تبدیل به یک ماشین کشتار جمعی می‌شود. از نکات آزاردهنده این کتاب می‌توان در ترجمه شاملو، به ویراستاری و حضور بیش از حد کلمات آلمانی در متن اصلی اشاره کرد.



مرل سخن می‌گوید

من تحت تأثیر رمان نویس‌های انگلیسی قرن هجدهم مثل ساموئل ریچاردسون، هنری فیلدینگ و رمان نویس‌های قرن نوزدهم مثل جین آستین و چارلز دیکنز بودم. از بین نویسندگان قرن هجدهم و نوزدهم فرانسه هم باید به استاندال اشاره کنم. از نویسندگان روس از تولستوی، داستایفسکی و چخوف تأثیر گرفتم و از بین نویسندگان امریکایی، باید به جان دوس پاسوس و ارنست همینگوی اشاره کنم؛ گرچه فلسفه زندگی همینگوی را دوست نداشتم.

نماینده بخشی از جامعه هستند و سپس نابودی آن، می‌خواهد نشان دهد که چگونه پایه‌گذاری یک اجتماع بر بنیان‌های اشتباه می‌تواند رؤیای یک اتوپیا را به دیستوپیا تبدیل کند و آن جامعه را ویران کند. در چنین جامعه‌ای همان‌قدر که نبود عدالت و برابری در بین اعضا می‌تواند اجتماع را دچار تنش و درگیری کند، پابندی و پافشاری کورکورانه روی اخلاقیات نیز می‌تواند فاجعه بیافریند. در جزیره، سروان پرسل نماد یک شخصیت اخلاقی مدار تمام و کمال است که در هیچ شرایطی حاضر نیست از اصول اخلاقی خود کوتاه بیاید و مک‌لئو کسی است که تماماً به فکر منافع خود است و به نوعی می‌شود او را آنتاگونیست داستان دانست. در ابتدای داستان، در میانه اختلافات شاید خواننده بیشتر جانب پرسل را بگیرد اما پافشاری او بر اخلاقیات مخاطب را با این چالش روبه‌رو می‌کند که آیا دلیل اصلی بالاگرفتن نزاع در جزیره پیروی بی‌چون و چرای پرسل از اصول اخلاقی کانت نیست؟

همه اینها برای چه بود؟

جز آخر، جز توصیه به خواندن کتاب، توصیه دیگری ندارم! روبر مرل با جزیره و قلعه مالویل به من نشان داده استاد قصه‌گویی در محیط‌های بسته و محدود است. او آنقدر خوب جزئیات جهانی را که خلق کرده شرح می‌دهد که نقشه آن برای همیشه در ذهن شما باقی بماند و آنقدر خوب داستان جذابش را روایت می‌کند که نمی‌توانید لحظه‌ای خوانش را کنار بگذارید. در نهایت جزیره لذت غیرقابل وصف از تجربه‌ای است که احتمالاً شانس چشیدن طعم آن را در زندگی واقعی نخواهید داشت.

انگلیسی‌ها سمبل فرانسوی‌ها و تاهیتی‌ها سمبل الجزایری‌ها هستند. جزیره، واقعه تاریخی کشتی بونتی در اواخر قرن هجدهم را در بستر داستان و تخیل زنده می‌کند، ملاحان این کشتی بریتانیایی پس از کشتن کاپیتان خود، برای فرار از مجازات اعدام نیروی دریایی ملکه ویکتوریا به تبعیدی خود خواسته دست می‌زنند. خدمه کشتی به لطف آشنایی قبلی سروان پرسل با بومیان تاهیتی، از آنها کمک گرفته و به جزیره کوچک و ناشناخته پیت‌کرن در اقیانوس آرام پناه می‌برند تا زندگی جدیدی را آغاز کنند. خوش‌بینی به زندگی جدید با ورود به جزیره و گذشت زمان رفته رفته رنگ می‌بازد، اختلافات اجتماع کوچک ملاحان و بومیان را با تنش همراه می‌کند و بین دو گروه جنگی درمی‌گیرد.

جزیره داستان ساده و سرراستی دارد و از همان ابتدا وبدون هیچ مقدمه‌ای خواننده را به میان شورش کشتی بلاسوم پرتاب می‌کند. فضای پرتنش در بلاسوم به جزیره نیز کشیده می‌شود و مخاطب را لحظه‌ای آرام نمی‌گذارد و او را مانند شخصیت‌های داستان در پیت‌کرن محصور می‌کند. این نوع از درگیر کردن خواننده در رمان باعث می‌شود، او خود را عضوی از اجتماع کوچک بومیان و ملاحان بداند و در هر رأی‌گیری و نزاعی که در جزیره رخ می‌دهد شرکت کند و جانب یکی را بگیرد. اما مرل با این شکل از جذب خواننده، در لایه بعدی افکار و عقاید او را در مورد موضوعاتی چون برده‌داری، مذهب، عدالت، اخلاقیات، دموکراسی، ساختار طبقاتی و... به چالش می‌کشد. در واقع نویسنده با خلق یک اجتماع کوچک از طبقات مختلف که هر کدام



فاصله باریک بین ترس و اخلاق

نگاهی به رمان «جزیره» نوشته روبر مرل

علی اکبر شعبی
مرورنویس



مرلی که می‌شناسیم

برای پی بردن به اهمیت یک نویسنده، شاید تعریف و تمجید مخاطبان، ستایش منتقدان و جوایز کسب شده از سوی او کافی باشد اما در کنار همه اینها می‌توان نیم‌نگاهی هم به مترجمان آثارش داشت. دیدن نام ابوالحسن نجفی، محمد قاضی، احمد شاملو و فرهاد غریبی در صف مترجمان کتاب‌های «روبر مرل»، برای من کافی بود تا سراغ او بروم. روبر مرل رمان نویس

فرانسوی و زاده شهر تیبسه الجزایر است که در نوجوانی و همزمان با مرگ پدر در جنگ جهانی اول، عازم فرانسه شد و در آنجا به نوشتن روی آورد. او در جنگ جهانی دوم به استخدام ارتش فرانسه درآمد و در خلال آن اسیر آلمان‌ها شد. در سال‌های پس از جنگ، اسارتی که مرل در بازداشتگاه‌های آلمان تجربه کرده بود تأثیر خود را در اولین رمان او نشان داد و «آخر هفته در زویدکوت» بستری شد برای روایت وقایع نبرد دانکرک در جنگ جهانی دوم. اما این پایان اثر جنگ در آثار مرل نبود و سایه سنگین اسارت را به آسانی می‌توان

در رمان‌های دیگر او دید. «مرگ کسب‌وکار من است» زندگی افسر فرمانده و مسئول اردوگاه آشویتس را روایت می‌کند، «جزیره» داستان حصر و نزاع دو گروه در جزیره پیت‌کرن است و در نهایت نیز «قلعه مالویل» داستان آدم‌های باقی‌مانده از یک انفجار اتمی از جنگ جهانی سوم را تصویر می‌کند.

چه کسی بهشت پیت‌کرن را تبدیل به جهنم کرد؟

روبر مرل، رمان جزیره را در سال ۱۹۵۸ و آن‌طور که خود اعتراف می‌کند تحت تأثیر جنگ الجزایر نوشت؛ در واقع در این اثر،



جز توصیه به خواندن کتاب، توصیه دیگری ندارم! روبر مرل با جزیره و قلعه مالویل به من نشان داده استاد قصه‌گویی در محیط‌های بسته و محدود است



پرواز را بیاموز، پرنده مردنی ست

پرنده‌نگری از لابه‌لای صفحات یک کتاب

زهرا راستگویی

خبرنگار



یک
نویسنده

اگر کمی در ذهنمان جست‌وجو کنیم می‌توانیم به راحتی نشانه‌های حضور پرنده‌گان را در ادبیات ببینیم. برای ما ایرانی‌ها آشناترینش منطق الطیر است. پرنده‌هایی که هر کدام نماد نوعی از انسان‌ها هستند. «پرنده‌آبی» موریس مترلینگ هم نمونه دیگری است. برادر و خواهری که دنبال پرنده کوچک خوشحالی هستند. دیگر

چه به یاد می‌آورید؟ من غازهایی را که در انیمیشن‌های کودک‌مان حضور داشتند، می‌توانم به وضوح ببینم. پرنده‌ها انگار در دسترس‌ترین جلوه از طبیعت هستند که ما از تماشا کردنشان خیلی چیزها می‌توانیم بیاموزیم. به همین دلیل هم هست که در صنعت اکوتوریسم، بخشی به نام پرنده‌نگری وجود دارد و روز جهانی هم به همین نام ثبت شده است. ما در تماشا کردن پرنده‌گان دنبال چه می‌گردیم؟ شاید بخش گمشده‌ای از وجودمان. این روزها که کمتر صدای پرنده‌ای به گوشمان می‌خورد، مثل گمشدگانی که دنبال رسولان شادی و رضایت

می‌گردند هر جا گنجشکی در حال پریدن می‌بینیم با لبخند به تماشا کردنش می‌ایستیم. «فلسفه پرنده‌گان» قرار است کمک‌مان کند تا بیشتر این رسولان را بشناسیم. یاد بگیریم که حتی تماشا کردن مرغ و خروسی که توی خانه‌های روستایی هنوز هم یافت می‌شوند، می‌تواند درس‌هایی به ما بیاموزد. این کتاب مصداق بارز کلمه لطافت و آرامش است. خواندنش شما را به دنیایی فرو می‌برد که فراموش شده است. نزد اجداد مهاجرمان که هنوز آن‌قدر از طبیعتشان دور نشده بودند که برای جهت‌یابی نیاز به جی‌پی‌اس

و ابزارهای دیگر داشته باشند. فلسفه پرنده‌گان را دو نویسنده با همکاری هم نوشته‌اند. فیلیپ دوبوا پرنده‌شناس و الیز روسو فیلسوف. برای ما که نه پرنده‌شناسیم و نه فیلسوف شاید این ترکیب عجیب به نظر برسد اما بی‌شک دوست‌داشتنی است. کتاب تلاش کرده است ساده بماند. نه به سمت اصطلاحات علمی حوزه پرنده‌شناسی برود و نه در دنیای فلسفه غرق شود. چیزی نو و منحصر به فرد. فلسفه پرنده‌گان شامل ۲۲ فصل کوتاه است. در هر فصل نوع خاصی از پرنده‌گان مورد توجه قرار گرفته و خواننده قرار است درسی از نوع رفتار او

